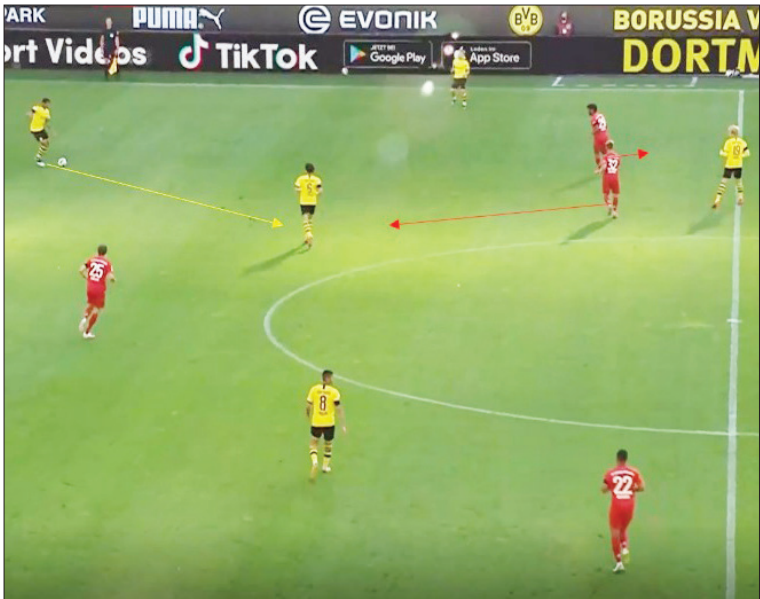
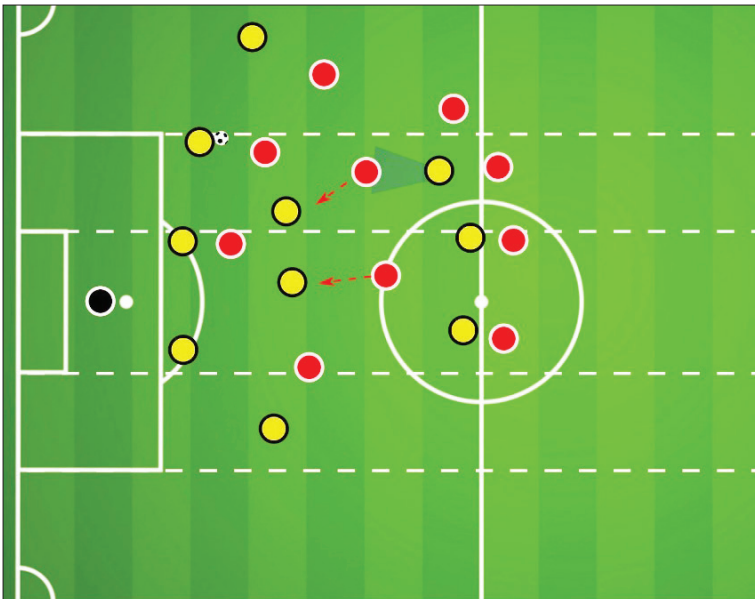




عکس یک



عکس دو



بایرن مونیخ - بوروسیا دورتموند

دژ مستحکم

نبرد بایرن مونیخ و بوروسیا دورتموند در هفته گذشته در حقیقت نبرد قهرمانی در بوندس لیگا بود. تقابل دو غول فوتبال آلمان در ورزشگاه خالی از تماشاگر اگرچه از هیجان همیشگی دور بود اما در دل خود انگاره‌های تاکتیکی جذابی داشت که شاید مهم‌ترین آنها دژ دفاعی مستحکم بایرن بود که زمینه‌ساز پیروزی حادقلی مونیخی‌ها شد. پرونده امروز این انگاره تاکتیکی را زیر ذره‌بین برده و آنالیز می‌کند.

دفاع تیمی و پرس پرفشار، مهم‌ترین اسلحه فلیک در درکلاسیکر

دژ سوخ‌ناپذیر بایرن

رسول مجیدی

وقتی هانسی فلیک در هفته دهم هدایت تیم بایرن را بر عهده گرفت، این تیم در رده چهارم بود و ۴ امتیاز با صدر جدول فاصله داشت. حالا بایرن این روزها صدرنشین است و فاصله‌اش با تیم دوم به ۷ امتیاز رسیده.

بدون شک یکی از دلایل این تفاوت می‌تواند بهبود ساختار دفاعی بایرن تحت نظر فلیک باشد؛ از عقب تا جلوی زمین.

بایرن نیکو کواج در هفته‌های ابتدایی لیگ فضای زیادی در عمق و کناره‌ها به رقبای داد. این مسأله در هفته ششم و در بازی با پادربورن تازه صعود کرده حسابی در ذوق می‌زد.

اگر یکبار دیگر بازی را ببینید، متوجه می‌شوید که در بسیاری از دقایق بازی روی مهاجمان پادربورن فشاری گذاشته نمی‌شود و آنها حتی در محوطه جریمه هم فضا برای چرخش و انتخاب جهت مناسب برای زدن شوت را دارند.

بایرن آن بازی را بر دما ۳ بر ۲. آن دو گل نشان از این داشت که دفاع بایرن اشکالاتی دارد.

هفته بعد هم این مشکلات همچنان وجود داشت. هوفنهایمی‌ها در زمین بایرن صاحب توپ بودند و هیچ فشاری روی شان نبود. این مسأله فرصت و زمان کافی را به آنها می‌داد تا نقشه‌های هجومی شان را پیاده کنند.

بایرنی‌ها دوباره حتی در محوطه جریمه هم یارگیری درستی انجام ندادند و تنها تا در خانه ۲ بر یک به هوفنهایم ببازند.

در انتهای هفته دهم، بایرن به طور میانگین در هر بازی ۱/۶ گل دریافت کرده بود و این یعنی فاصله از صدر و البته اخراج نیکو کواج.

اولین بازی تیم تحت نظر هانسی فلیک، در کلاسیکر بود. بازی با دورتموند. آنها چطور می‌خواستند جلوی تیم هجومی زنبورها دوام بیاورند؟ راه حال فلیک این بود: پرس پرفشار در تمامی قسمت‌های زمین.

توماس مولر رهبر این پرس در جلوی زمین بود. سیستم بایرن در بازی رفت و برگشت مقابل دورتموند (و البته سایر بازی‌های فصل) ۱-۳-۴ است اما این سیستم در هنگام دفاع به ۲-۴-۴ تغییر شکل می‌دهد (گرافیک). مولر یک خط جلوتر می‌رود تا نزدیک‌ترین مدافع وسط رقیب را تحت فشار قرار دهد.

گوش‌های چپ و راست بایرن (کومان و گنبری) هم در درکلاسیکر سه‌شنبه به سرعت خودشان را به نزدیک‌ترین مدافع کناری شان می‌رسانند تا سیستم پرس تکمیل شود.

هافبک‌های مرکزی یعنی کیمیچ و گورتزکا هم کاملاً به دلیلی و داهود نزدیک می‌شدند تا مدافعین دورتموند نتوانند به آنها پاس دهند و حمله‌ای برق‌آسا را پیگیری کنند. همین دورتموندی‌ها را در هنگام تملک توپ حسابی گیج کرده بود. (عکس یک)

واقعیت این است که از زمان آمدن فلیک ساختار دفاعی بایرن کاملاً تغییر کرده. از وقتی او آمده تیگو و کیمیچ تبدیل شدند به دو هافبک دفاعی که باید در وسط زمین یارگیری‌های من‌نومنی با رقبای داشته باشند. این وظیفه در بازی سه‌شنبه مقابل دورتموند و در حالی که تیگو مصدوم بود روی دوش گورتزکا و کیمیچ گذاشته شده بود.

کاری که بایرن در بازی سه‌شنبه شب انجام می‌داد، درست مثل کاری بود که در هفته‌های گذشته هم بارها

بایرن این روزها صدرنشین است و فاصله‌اش با تیم دوم به ۷ امتیاز رسیده. بدون شک یکی از دلایل این تفاوت می‌تواند بهبود ساختار دفاعی بایرن تحت نظر فلیک باشد؛ از عقب تا جلوی زمین

آن را انجام داده بود. مثلاً در هفته بیست و چهارم و بازی برگشت برابر هوفنهایم، بایرن در یک صحنه توپ را از دست داد و نزدیک بود ۵ بازیکن مونیخی‌ها از جریان بازی خارج شوند.

این یک فرصت عالی برای تیم میزبان بود تا حمله‌ای برق‌آسا را شکل دهد ولی بایرنی‌ها خیلی سریع روی به پرس پرفشار از جلو آوردند و فضا را تنگ کردند. کیمیچ و تیگو هم به خوبی در پست‌های همیشگی شان و نزدیک به هم بودند.

تیگو توپ را پس گرفت و همه چیز تغییر کرد. حالا این بایرنی‌ها بودند که یک ضدحمله برق‌آسا را شکل می‌دادند و اتفاقاً به گل هم رسیدند.

نکته جالب اینجاست که بایرن حتی در نبود تیگو و هم از همان روش استفاده می‌کند و مشخص است فلیک تکلیف خودش را با بازیکنان خط دفاعی بایرن

مشخص کرده. بایرن تحت رهبری او فقط ۰/۷ گل در هر بازی دریافت کرده. آماری که در ابتدای فصل ۱/۶ گل بود و این یعنی نتایج قاطع و البته صدرنشینی قاطعانه.

نقش کیمیچ

یکی از عجایب این فصل بایرن مونیخ نحوه بازی جاشوا کیمیچ است. بازیکنی که پیش از این بیشتر عادت داشتیم در نقش دفاع راست او را ببینیم اما این روزها تبدیل شده به یک هافبک دفاعی کاملاً مدرن. نقش اصلی را در نبرد درکلاسیکر سه‌شنبه هم او داشت.

جدای از گل تعیین‌کننده‌اش، نبرد او در میانه میدان با هافبک‌های دورتموند تأثیرگذار بود. فاوره برای اینکه پرس شدید بایرن را خنثی کند به یولیان برنت دستور داده بود تا در هنگام تملک توپ هم تیمی‌هایش به عرض برود.

آیا این مسأله باعث می‌شد تا کیمیچ در سر دوراهی قرار بگیرد، به سراغ یارگیری داهود برود و برنت را در کناره زمین آزاد بگذارد یا به سمت برنت برود و به داهود برای توپ‌گیری فضا دهد؟ با این همه کیمیچ حتی این حيله فاوره را هم تا حدودی خنثی می‌کرد. او دمام چشمش به برنت در پشت سرش و داهود در جلوی چشمش بود و طوری در زمین جایگیری می‌کرد که در حالی که به داهود نزدیک می‌شود، امکان پاس‌دهی به برنت را هم با جایگیری صحیحش از بین ببرد. (عکس ۲)

سرعت انفجاری کیمیچ برای رسیدن به نزدیک‌ترین هافبک رقیب و خراب شدن روی او، یکی از اصلی‌ترین اسلحه‌های فلیک در فاز دفاعی در درکلاسیکر و کل فصل بوده.